



The University of Tehran Press

# Natural Resources Governance

Vol. 2, No. 4, Winter 2025

Online ISSN: 3060-7183

Home Page: <https://jnrg.ut.ac.ir/>

## Analysis of the Outcomes of Participatory Governance in the Forests of Golestan Province Based on an Exploratory Qualitative Approach

Mohammadreza Shahraki<sup>1\*</sup> | Yaser Ghasemi Aryan<sup>2</sup>

- 1) Corresponding Author, Deputy for Coordination of Economic Affairs, Golestan Governorate, Gorgan, Iran. Email: [m.rshahraki@yahoo.com](mailto:m.rshahraki@yahoo.com)
- 2) Desert Research Division, Research Institute of Forests and Rangelands, Agricultural Research Education and Extension Organization, Tehran, Iran. Email: [ghasemiaryan@alumni.ut.ac.ir](mailto:ghasemiaryan@alumni.ut.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received 05 November, 2025  
Revised 05 December, 2025  
Accepted 21 December, 2025  
Published online 22 December, 2025

**Keywords:**  
*Clustering,  
Golestan Forests,  
Narrative Inquiry,  
Participatory Governance.*

### ABSTRACT

Participatory governance in forests, as a novel approach in natural resource management, holds special importance in enhancing the sustainability of forest ecosystems. This approach, by emphasizing the active role of local communities in decision-making and the implementation of conservation programs, can provide the grounds for reducing illegal exploitation and increasing the efficiency of forest management policies. Accordingly, the present research was conducted with the aim of identifying and analyzing the consequences of participatory governance in the forests of Golestan province. The research method was exploratory qualitative, and data were collected through 50 semi-structured face-to-face interviews with informed and active individuals in five forest villages of District 86, using purposive sampling. Data analysis was performed through three-stage coding (open, axial, and macro) within the framework of thematic analysis. The content validity of the interviews was confirmed by the opinion of local experts and specialists, and the reliability of the data was validated with a Kappa coefficient of 0.82. Findings showed that the category of "reducing illegal exploitation of wood resources" with a share of 44% among positive consequences and the category of "superficial and non-real participation" with a share of 84% among negative consequences were the most frequent themes in the participatory governance of the studied forests. Clustering of axial codes showed that all positive categories were placed in the "specific" cluster. In contrast, negative categories were distributed across two levels: "general" and "regional". Furthermore, findings indicated that "transparency" with the highest frequency (177 cases) and a repetition range of 11, had the highest density of dissatisfaction among rural communities and was placed in the general cluster. Based on the results, forming rural participatory councils with the presence of various groups, utilizing local facilitators, launching micro-credit funds, supporting cooperatives and local markets, developing handicrafts and ecotourism, and creating local forest management working groups for monitoring, restoration, and control of exploitation along with governmental financial and educational support are the most important recommendations.

**Cite this article:** Shahraki, M., Ghasemi Aryan, Y. (2025). Analysis of the Outcomes of Participatory Governance in the Forests of Golestan Province Based on an Exploratory Qualitative Approach. *Journal of Natural Resources Governance*, 2 (4), 416-437. <https://doi.org/10.22059/jnrg.2026.407667.1075>



© Mohammadreza Shahraki, Yaser Ghasemi Aryan  
<https://doi.org/10.22059/jnrg.2026.407667.1075>

**Publisher:** University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

## نشریه حکمرانی منابع طبیعی

دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

سایت نشریه: <https://jnrg.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۷۱۸۳-۳۰۶۰

### تحلیل پیامدهای حکمرانی مشارکتی در جنگل‌های استان گلستان مبتنی بر رویکرد کیفی اکتشافی

محمد رضا شهرکی<sup>۱\*</sup> | یاسر قاسمی آریان<sup>۲</sup>

۱) نویسنده مسئول، معاونت هماهنگی اموراتصادی، استانداری گلستان، گرگان، ایران. رایانامه: [m.rshahraki@yahoo.com](mailto:m.rshahraki@yahoo.com)

۲) بخش تحقیقات بیابان، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران.

رایانامه: [ghasemiaryan@alumni.ut.ac.ir](mailto:ghasemiaryan@alumni.ut.ac.ir)

#### اطلاعات مقاله

#### چکیده

#### نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

#### کلیدواژه:

جنگل‌های گلستان،

خوشه‌بندی،

حکمرانی مشارکتی،

روایت پژوهی.

حکمرانی مشارکتی در جنگل‌ها به‌عنوان یک رویکرد نوین در مدیریت منابع طبیعی، اهمیت ویژه‌ای در ارتقای پایداری اکوسیستم‌های جنگلی دارد. این رویکرد با تأکید بر نقش فعال جوامع محلی در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های حفاظتی می‌تواند زمینه کاهش بهره‌برداری غیرقانونی و افزایش کارآمدی سیاست‌های مدیریت جنگل را فراهم سازد. در همین راستا، تحقیق حاضر با هدف شناسایی و تحلیل پیامدهای حکمرانی مشارکتی در جنگل‌های استان گلستان انجام شد. روش تحقیق کیفی اکتشافی بود و داده‌ها از طریق ۵۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته حضوری با افراد مطلع و فعال در پنج روستای جنگلی حوزه ۸۶، با نمونه‌گیری هدفمند گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با کدگذاری سه‌مرحله‌ای باز، محوری و کلان در چارچوب تحلیل مضمون انجام گرفت. اعتبار محتوایی مصاحبه‌ها با نظر خبرگان محلی و کارشناسان تأیید و پایایی داده‌ها نیز با ضریب کاپای ۰/۸۲ اعتبارسنجی شد. یافته‌ها نشان داد مقوله «کاهش بهره‌برداری غیرقانونی از منابع چوبی» با سهم ۴۴ درصدی در میان پیامدهای مثبت و مقوله «مشارکت صوری و غیرواقعی» با سهم ۸۴ درصدی در میان پیامدهای منفی، پر تکرارترین مضامین در حکمرانی مشارکتی جنگل‌های منطقه مورد مطالعه هستند. خوشه‌بندی کدهای محوری نشان داد تمام مقوله‌های مثبت در خوشه «خاص» قرار گرفته‌اند. در مقابل مقوله‌های منفی در دو سطح «عمومی» و «منطقه‌ای» توزیع شده‌اند، همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که «شفاف‌سازی» با بیشترین فراوانی (۱۷۷ مورد) و بازه تکرار ۱۱، بالاترین تراکم نارضایتی را در میان جوامع روستایی داشته و در خوشه عمومی جای گرفته است. بر اساس نتایج تشکیل شوراهای مشارکتی روستایی با حضور گروه‌های مختلف، بهره‌گیری از تسهیلات محلی، راه‌اندازی صندوق‌های اعتباری خرد، حمایت از تعاونی‌ها و بازارچه‌های محلی، توسعه صنایع دستی و بوم‌گردی و ایجاد کارگروه‌های محلی مدیریت جنگل برای پایش، احیا و کنترل بهره‌برداری همراه با حمایت مالی و آموزشی دولت، مهم‌ترین پیشنهادها هستند.

استاد: شهرکی، محمد رضا، قاسمی آریان، یاسر (۱۴۰۴). تحلیل پیامدهای حکمرانی مشارکتی در جنگل‌های استان گلستان مبتنی بر رویکرد کیفی اکتشافی. حکمرانی منابع طبیعی،

۲ (۴)، ۴۳۷-۴۱۶. <https://doi.org/10.22059/jnrg.2026.407667.1075>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© محمد رضا شهرکی، یاسر قاسمی آریان

<https://doi.org/10.22059/jnrg.2026.407667.1075>



## ۱. مقدمه

جنگل‌های شمال ایران به‌ویژه جنگل‌های هیرکانی از جمله منابع طبیعی ارزشمند کشور محسوب می‌شوند که در دهه‌های اخیر با تهدیدهایی چون قاچاق چوب، تغییر کاربری، آتش‌سوزی و بهره‌برداری بی‌رویه مواجه‌اند. در چنین شرایطی مشارکت جوامع محلی نه تنها به‌عنوان یک ابزار حفاظتی، بلکه به‌عنوان سازوکاری اجتماعی برای تقویت حس مالکیت، اعتماد نهادی و مسئولیت‌پذیری مطرح است (عابدی سروستانی، ۲۰۲۱؛ سواری و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع مواجهه با بحران‌های محیط‌زیستی از جمله تخریب جنگل‌ها، کاهش تنوع زیستی و تغییرات اقلیمی، حکمرانی مشارکتی محلی به‌عنوان یکی از رویکردهای تحول‌ساز در مدیریت منابع طبیعی، جایگزین مدل‌های سنتی و متمرکز مدیریتی شده که در بسیاری از کشورها از جمله ایران، ناکارآمدی آنها در حفاظت از جنگل‌ها به اثبات رسیده است (Fernandes et al., 2024; Savari et al., 2020; Ghazanfari et al., 2004; Agrawal & Ostrom, 2001). این رویکرد، برخلاف مدل‌های متمرکز و دولتی، بر مشارکت فعال جوامع محلی در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت تأکید دارد و به‌ویژه در اکوسیستم‌های جنگلی، نقش مهمی در ارتقای پایداری و عدالت محیطی ایفا می‌کند (Tiki et al., 2024؛ دريجانی و همکاران، ۲۰۱۷).

حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی، به‌ویژه در عرصه جنگلی، پارادایمی است که بر فرایندهای نهادی تصمیم‌گیری جمعی، شفافیت، پاسخگویی و توزیع قدرت میان طیف وسیعی از کنشگران شامل دولت، جامعه محلی، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی تأکید می‌ورزد. این مفهوم از مدیریت مشارکتی متمایز است که به‌طور عمده مشارکت جامعه محلی را در اجرای فعالیت‌های حفاظتی و بهره‌برداری محدود می‌کند (Arts & De Koning, 2017; Saito-Jensen et al., 2010). در حکمرانی مشارکتی افزون بر اجرای فعالیت‌ها، ساختارها و نهادهایی برای سیاستگذاری، نظارت و ارزیابی نیز شکل می‌گیرند که به توزیع قدرت و مسئولیت میان دولت، جوامع محلی و سایر ذی‌نفعان منجر می‌شود (Ansell & Gash, 2008).

تفاوت اساسی میان حکمرانی مشارکتی و مدیریت مشارکتی در سطح و ماهیت مشارکت است. مدیریت مشارکتی بیشتر بر فعالیت‌های اجرایی مانند احیا، اصلاح، حفاظت و بهره‌برداری متمرکز است و نقش جوامع محلی در آن اغلب به‌عنوان نیروی کار یا مجری برنامه‌ها تعریف می‌شود (Lopes et al., 2025; Tiki et al., 2025; Padilla et al., 2025; Fujisaki et al., 2016). در مقابل حکمرانی مشارکتی به فرایندهای سیاستگذاری، تصمیم‌گیری جمعی، شفافیت و پاسخگویی توجه دارد و ساکنان روستایی در آن به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی و شریک در قدرت نهادی شناخته می‌شوند (Degnet et al., 2022; Pham et al., 2021; Datta, 2021). بنابراین حکمرانی مشارکتی در جنگل‌ها نه تنها به‌معنای حضور جوامع محلی در اجرای برنامه‌ها، بلکه به‌معنای مشارکت آنان در تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و نظارت است. این رویکرد با ایجاد نهادهای محلی، شوراهای و سازمان‌های مردم‌نهاد، مصادیق عینی خود را در مدیریت جنگل‌ها نشان می‌دهد و با تفکیک روشن از مدیریت مشارکتی، جایگاه علمی و عملی خود را تثبیت می‌کند. از این رو پذیرش حکمرانی مشارکتی به‌عنوان رویکردی جامع، می‌تواند به ارتقای پایداری اکوسیستم‌های جنگلی و افزایش کارآمدی سیاست‌های منابع طبیعی منجر شود (تیموری و همکاران، ۲۰۲۵).

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، مدیریت جنگل‌ها به‌طور عمده از بالا به پایین توسط نهادهای دولتی و بدون مشارکت مؤثر جوامع محلی انجام می‌شد؛ رویکردی که به کاهش اعتماد عمومی، افزایش تعارضات اجتماعی و تخریب گسترده منابع جنگلی منجر شد (Ciccarino & Fernandes, 2023; Apipoonyanon et al., 2020; Larson & Soto, 2008). و شناسایی روش‌های اجرایی موفق، کلید استراتژی‌های مؤثر مدیریت پایدار جنگل از پایین به بالا است (Fernandes et al., 2024; عبداللهی و همکاران، 2023). حکمرانی مشارکتی با تأکید بر حضور فعال مردم در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت، بستری فراهم می‌آورد که در آن منافع اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی به‌صورت همزمان مورد توجه قرار می‌گیرند (Zandebasiri et al., 2024; Savari et al., 2020; Haque et al., 2025). این رویکرد نه تنها موجب ارتقای حس تعلق و مسئولیت‌پذیری در میان ساکنان روستایی می‌شود، بلکه به کاهش بهره‌برداری غیرمجاز، افزایش شفافیت نهادی و بهبود کیفیت زیستی جنگل‌ها نیز کمک می‌کند (Mollick et al., 2018; Azadi et al., 2013).

در فرایند گذار از مدیریت متمرکز جنگل‌ها به حکمرانی مشارکتی، روایت‌های محلی نقش راهبردی و کاربردی بی‌بدیلی ایفا می‌کنند. این روایت‌ها، برخاسته از تجربه زیسته جوامع محلی، نه تنها بازتابی از تعاملات روزمره مردم با منابع طبیعی هستند، بلکه به‌عنوان داده‌های اجتماعی، فرهنگی و بومی، ظرفیت بالایی برای اصلاح و بازطراحی سیاست‌های مدیریتی دارند (Zande & Mzuza, 2022؛ فلاح و همکاران، ۲۰۱۸). در حالی که بسیاری از سیاست‌های جنگلداری در ایران بر پایه شاخص‌های کمی و گزارش‌های رسمی تدوین شده‌اند، فقدان مطالعات مستقیم مبتنی بر دریافت روایت‌ها و مصاحبه‌های محلی، یکی از خلأهای جدی در پژوهش‌های مشارکتی محسوب می‌شود (Abedi Sarvestani & Ingram, 2020). این خلأ موجب شده است بسیاری از طرح‌های مشارکتی، بدون شناخت کافی از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی جوامع محلی اجرا و در نتیجه با مقاومت، بی‌اعتمادی یا ناکامی مواجه شوند.

با وجود گسترش ادبیات نظری در زمینه حکمرانی مشارکتی، هنوز شکاف قابل توجهی میان سیاست‌گذاری رسمی و تجربه زیسته جوامع محلی وجود دارد. بسیاری از مطالعات پیشین، تمرکز خود را بر شاخص‌های کمی و نهادی گذاشته‌اند و کمتر به روایت‌های مردم، زبان گفتاری و ادراکات اجتماعی آنان از تغییرات ناشی از مشارکت پرداخته‌اند (Woldie et al., 2025). این در حالی است که فهم پیامدهای حکمرانی مشارکتی از منظر مردم، می‌تواند به بازنگری در سیاست‌های منابع طبیعی، طراحی مداخلات محلی و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شود (محمدی استادکالیه و همکاران، ۲۰۲۳؛ Avazpour et al., 2025; Zande & Mzuza, 2022). حوزه جنگلی ۸۶ استان گلستان، با ویژگی‌های اکولوژیکی منحصر به فرد و وابستگی بالای جوامع محلی به منابع جنگلی، نمونه‌ای برجسته از پیچیدگی‌های حکمرانی منابع طبیعی در ایران است. این منطقه نه تنها از نظر محیط‌زیستی حساس و غنی است، بلکه از نظر اجتماعی نیز بستری برای آزمون سیاست‌های مشارکتی محسوب می‌شود. ممنوعیت بهره‌برداری از جنگل در سال ۲۰۱۷ نقطه عطفی در تغییر مناسبات اقتصادی و مدیریتی جوامع جنگل‌نشین بود، چراکه بخش قابل توجهی از ساکنان روستاهای جنگلی که در قالب طرح‌های جنگلداری مشغول به فعالیت بودند، با حذف ناگهانی منبع درآمدی خود، دچار بیکاری و بی‌ثباتی معیشتی شدند (Moayeri et al., 2024).

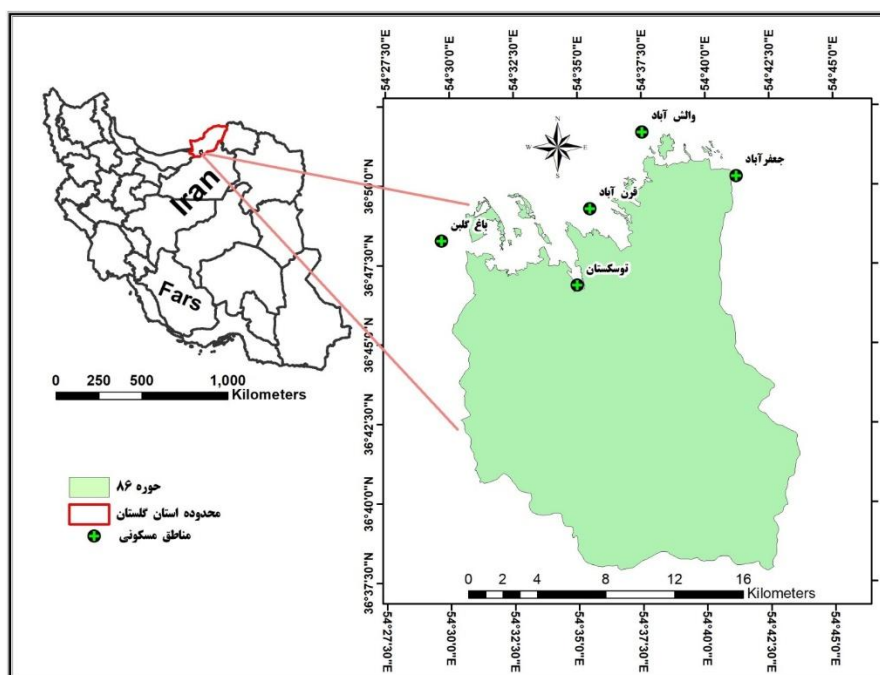
این تحول ضرورت بازتعریف جایگاه جوامع محلی در ساختار حکمرانی جنگل را برجسته کرد و سازمان منابع طبیعی را بر آن داشت تا طرح‌هایی با محوریت مشارکت جوامع محلی تدوین کند. با این حال ارزیابی پیامدهای این سیاست‌های کلان جنگلداری از منظر مردم محلی، کمتر مورد توجه قرار گرفته و اغلب در قالب گزارش‌های رسمی و فنی محدود شده است. در حالی که تجربه‌های روزمره، برداشت‌های فرهنگی و تعاملات اجتماعی مردم با جنگل، می‌تواند ابعاد پنهان و پیچیده‌ای از موفقیت یا ناکامی این سیاست‌ها را آشکار سازد (Woldie et al., 2025; Abedi Sarvestani & Ingram, 2020؛ عبداللهی و همکاران، ۲۰۲۳).

بر این اساس، تحقیق حاضر به پیامدهای حکمرانی مشارکتی در جنگل‌های استان گلستان، در تلاش است با بهره‌گیری از روش‌های کیفی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، تصویری چندلایه از تجربه مردم در مواجهه با حکمرانی مشارکتی ارائه دهد. این پژوهش با تمرکز بر روایت‌های محلی، خلأ موجود در مطالعات کیفی و مردم‌محور را پر کرده و به غنای ادبیات حکمرانی منابع طبیعی در ایران می‌افزاید؛ نتایج آن می‌تواند به نهادهای اجرایی، از جمله سازمان منابع طبیعی و شوراهای محلی، در طراحی سیاست‌های مشارکتی مؤثرتر یاری رساند (Abedi Sarvestani & Ingram, 2020) و با برجسته‌سازی دیدگاه جوامع روستایی، به تقویت عدالت محیطی و افزایش مشروعیت سیاست‌های جنگلداری در سطح محلی منجر شود (Buele et al., 2020).

در واقع این روایت‌ها نه تنها بازتابی از تغییرات ملموس در وضعیت جنگل‌ها هستند، بلکه نشان‌دهنده تحول در نگرش، رفتار و روابط اجتماعی جوامع محلی نیز خواهند بود. به بیان دیگر، بهره‌گیری نظام‌مند از روایت‌های محلی در طراحی آینده سیستم‌های مدیریت مشارکتی جنگل، نه تنها موجب افزایش مشروعیت و اثربخشی سیاست‌ها در این زمینه می‌شود، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری مدل‌های یادگیرنده، انعطاف‌پذیر و مردم‌محور در حکمرانی مشارکتی محلی جنگل‌ها خواهد بود.

## ۱-۲. معرفی منطقه مورد مطالعه

حوزه جنگلی ۸۶، یکی از ۱۰۴ حوزه جنگلی منطقه هیرکانی است که مساحتی برابر با ۳۱۵۶۶/۱۱ هکتار دارد و در محدوده جغرافیایی بین طول شرقی ۰۳' ۳۰' ۵۴° تا ۳۷' ۳۷' ۵۳° و عرض شمالی ۳۶° ۳۷' ۳۷" تا ۳۶° ۵۱' ۳۷" در استان گلستان و شهرستان گرگان واقع شده است (شکل ۱). این منطقه دارای میانگین بارش سالانه ۵۲۰ میلی متر است، به طوری که بخش‌های شمال غربی آن از بارش بیشتری برخوردار بوده و بخش‌های جنوبی که ارتفاعات بالاتری دارند، مناطق کم‌بارش را تشکیل می‌دهند. متوسط دمای سالانه این حوزه ۱۷/۹ درجه سانتی‌گراد است؛ مرداد گرم‌ترین و بهمن و دی سردترین ماه‌های سال محسوب می‌شوند. اقلیم منطقه از نوع مدیترانه‌ای تا نیمه‌مرطوب و معتدل بوده و رطوبت نسبی میانگین سالانه آن حدود ۷۱ درصد است. حوزه مذکور شامل سه نوع کاربری جنگل، مرتع و مناطق مسکونی است که عرصه‌های جنگلی آن به مساحت ۲۹۵۶۱/۴ هکتار به‌طور عمده پوشیده از جنگل‌های پهن‌برگ معتدله است. تنوع پوشش گیاهی در این حوزه بسیار غنی بوده و شامل گونه‌های درختی، درختچه‌ای و بوته‌ای متنوعی است. در این حوزه، دو روستا در داخل و ۹ روستا در حاشیه آن قرار دارند که برخی از آنها روند افزایشی و برخی دیگر روند کاهشی جمعیت را تجربه می‌کنند. شغل اصلی اکثر ساکنان دامداری و کشاورزی است. تمام روستاهای این حوزه از امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی مناسبی برخوردارند (اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، ۲۰۲۱).



شکل ۱. موقعیت مکانی روستاهای مورد مطالعه در منطقه مورد مطالعه

## ۲-۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی - اکتشافی است و با هدف بررسی پیامدهای حکمرانی مشارکتی در جنگل‌های حوزه ۸۶ استان گلستان، بر پایه روایت پژوهی جوامع محلی و با رویکرد تحلیل مضمون و بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی انجام شده است. تحلیل مضمون<sup>۱</sup> به‌عنوان روش اصلی، امکان استخراج الگوهای معنایی از زبان گفتاری روستاییان را فراهم ساخت. در مرحله دوم، داده‌های کیفی از طریق کدگذاری باز و محوری استخراج و سپس با استفاده از تحلیل آماری توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی و بازه تکرار، به‌صورت کمی بررسی شدند. تلفیق این دو رویکرد زمینه‌شناسایی شاخص‌های بومی و قابل‌سنجش را مهیا کرد. جامعه

<sup>۱</sup> Thematic Analysis

آماري تحقيق را روستاييان مطلع، خبره و فعال در پنج روستای جعفرآباد و توسکستان (داخل حوزه) و باغ گلبن، قرن آباد و نومل (حاشیه حوزه) تشکیل دادند.

به منظور انتخاب روستاهای مورد مطالعه، حوزه جنگلی ۸۶ استان گلستان به عنوان پایلوت طرح «مدیریت پایدار مشارکتی جنگل‌های هیرکانی» مدنظر قرار گرفت. از میان ۹ روستای این حوزه، روستاهای مورد مطالعه بر اساس گزارش‌های حاصل از اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان و به دلیل چالش‌های بارز در حکمرانی مشارکتی انتخاب شدند، به گونه‌ای که این روستاها بیشترین تعامل و در عین حال بیشترین تعارض را در فرایندهای مشارکت محلی و مدیریت منابع طبیعی نشان داده‌اند. در هر روستا با نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱</sup>، ۱۰ نفر از افراد دارای تجربه مستقیم در حفاظت، بهره‌برداری یا مشارکت در طرح‌های جنگلداری با معیارهایی چون سابقه فعالیت در شوراهای محلی، آشنایی با نهادهای دولتی و مقررات منابع طبیعی و تجربه عملی در تعامل با جنگل انتخاب شدند. در مجموع ۵۰ مصاحبه عمیق صورت گرفت و فرایند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت، به گونه‌ای که پس از مصاحبه با نفرات ۴۶ تا ۵۰، مضمون تازه‌ای ظاهر نشد و کفایت داده‌ها برای تحلیل مضمون و اعتبار نتایج تأیید شد. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته حضوری گردآوری شد و پرسش‌ها بر اساس چارچوب مفهومی حکمرانی مشارکتی، محورهایی چون حفاظت از جنگل و کاهش مخاطرات محیط‌زیستی، احیای اکوسیستم و جنگل‌کاری، کنترل بهره‌برداری غیرقانونی و قاچاق چوب، تنوع زیستی و محصولات غیرچوبی، مشارکت اجتماعی، نظارت مردمی و اعتماد نهادی را در بر گرفت. مصاحبه‌ها ضمن یادداشت‌برداری، ضبط و سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی، کدگذاری و تحلیل شدند. برای سنجش روایی محتوا، پرسش‌ها توسط سه متخصص اقتصادی - اجتماعی منابع طبیعی، جامعه‌شناسی و خبرگان روستایی، ارزیابی و اصلاح شد. پایایی داده‌ها نیز از طریق بازکدگذاری مجدد توسط سه تحلیلگر مستقل بررسی شد و ضریب کاپا<sup>۲</sup> برابر با ۰/۸۲ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بالا بود. افزون بر این، برای ارتقای اعتبار تفسیری، با بهره‌گیری از روش بازخورد مشارکت‌کنندگان<sup>۳</sup>، گزیده‌ای از یافته‌ها با برخی مصاحبه‌شوندگان به منظور اخذ تأیید به اشتراک گذاشته شد.

تحلیل داده‌ها در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله نخست، تحلیل مضمون انجام و طی آن ابتدا کدگذاری باز برای استخراج گویه‌ها از متن مصاحبه‌ها بدون هیچ‌گونه پیش‌فرض به کار گرفته شد، سپس این گویه‌ها در قالب مؤلفه‌های مفهومی از طریق کدگذاری محوری دسته‌بندی و در نهایت مؤلفه‌های مثبت‌گرا و منفی‌گرای حکمرانی مشارکتی در جنگل‌های منطقه مورد مطالعه گروه‌بندی شدند تا ساختار اصلی تحلیل شکل گیرد. در مرحله دوم برای هر گویه سه شاخص آماری محاسبه شد:

(۱) تعداد تکرار گویه (f): تعداد دفعاتی که یک گویه در کل مصاحبه‌ها مطرح شده است. در تحلیل مضمون، استفاده از فراوانی گویه‌ها به عنوان شاخصی برای سنجش اهمیت نسبی مفاهیم، روشی رایج و معتبر است. فراوانی نشان می‌دهد یک مضمون تا چه حد در تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان تکرار شده و می‌تواند مبنای اولویت‌بندی مفاهیم باشد (Nowell et al., 2017; Bengtsson, 2016). از مقادیر به دست آمده گویه‌ها، ضمن دسته‌بندی آنها در سه سطح کم، متوسط و زیاد، از آنها در تحلیل خوشه‌ای گویه‌ها استفاده شد (جدول ۱).

جدول ۱. طبقه‌بندی گویه‌ها بر مبنای دامنه فراوانی در مصاحبه‌ها

دامنه عددی	سطح فراوانی*	تفسیر
۱-۲۰	کم	گویه‌هایی با فراوانی پایین که در تعداد محدودی از مصاحبه‌ها بیان شده‌اند؛ ممکن است خاص منطقه‌ای باشند.
۲۱-۳۵	متوسط	گویه‌هایی با فراوانی متوسط که در تعداد قابل توجهی از مصاحبه‌ها مطرح شده‌اند؛ دارای وزن تحلیلی قابل توجه هستند.
۳۶-۵۰	زیاد	گویه‌هایی با فراوانی بالا که در اکثر مصاحبه‌ها تکرار شده‌اند؛ نشان‌دهنده ادراک جمعی و اهمیت بالا است.

\* دامنه عددی بر حسب ۵۰ مصاحبه صورت گرفته در نظر گرفته شده است که بر حسب تعداد گویه در هر مؤلفه ضریب افزایشی می‌گیرد.

<sup>1</sup> Purposeful Sampling

<sup>2</sup> Cohen's Kappa

<sup>3</sup> Member Checking

درصد فراوانی گویه (%f):

$$\%f = \frac{f}{N} \times 100$$

که در آن  $N=50$  تعداد کل مصاحبه‌ها است.

(۲) بازه تکرار گویه (R): تحلیل بازه تکرار به‌عنوان شاخصی برای سنجش پراکندگی مفاهیم در مناطق یا گروه‌های مختلف، در مطالعات کیفی مقایسه‌ای کاربرد دارد. این شاخص نشان می‌دهد یک گویه تا چه حد در توسط افراد مختلف مطرح شده است و می‌تواند به تفکیک گویه‌های عمومی از گویه‌های خاص کمک کند (Erlingsson & Brysiewicz, 2017; Vaismoradi et al., 2013).

$$R = Max_i - Min_i$$

که در آن Max و Min تعداد دفعات تکرار گویه در توسط افراد مختلف است.

(۳) تحلیل خوشه‌ای گویه‌ها: تحلیل خوشه‌ای مفهومی در پژوهش‌های کیفی برای گروه‌بندی گویه‌ها بر اساس شباهت‌های معنایی و آماری استفاده می‌شود. ترکیب فراوانی و بازه تکرار به‌عنوان معیارهای دوگانه برای تشکیل خوشه‌های عمومی، منطقه‌ای و خاص، در مطالعات مضمون‌محور توصیه شده است (Naem et al., 2023; Xu & Zammit, 2020). از این رو با توجه به مقدار بازه تکرار، گویه‌ها در سه سطح طبقه‌بندی شدند (جدول ۲).

جدول ۲. طبقه‌بندی گویه‌ها بر اساس بازه تکرار در مناطق

دامنه عددی*	سطح بازه	تفسیر
۱-۲	کم	گویه‌هایی با پراکندگی محدود؛ نشان‌دهنده تمرکز در یک یا دو منطقه خاص
۳-۴	متوسط	گویه‌هایی با پراکندگی متوسط، نشان‌دهنده اهمیت در چند منطقه؛ گویه منطقه‌ای با پراکندگی قابل توجه
۵	زیاد	گویه‌هایی با پراکندگی بالا در مناطق، نشان‌دهنده گستردگی جغرافیایی یا تنوع ادراکی؛ گویه عمومی با پراکندگی گسترده

\* دامنه عددی بر حسب تعداد پنج روستای مورد مطالعه در نظر گرفته شده است که بر حسب تعداد گویه در هر مؤلفه ضریب افزایشی می‌گیرد.

با استفاده از تحلیل خوشه‌ای مفهومی<sup>۱</sup>، گویه‌ها در سه خوشه اصلی دسته‌بندی شدند (جدول ۳).

جدول ۳. طبقه‌بندی خوشه‌ها بر اساس شرایط ترکیبی و ویژگی‌ها

ویژگی‌ها	شرایط ترکیبی	نوع خوشه
عمومی	گویه‌هایی با ادراک مشترک در اکثر مناطق؛ مناسب برای شاخص‌های ملی یا عمومی	خوشه ۱ فراوانی زیاد + بازه زیاد
منطقه‌ای	گویه‌هایی با اهمیت در مناطق خاص؛ مناسب برای سیاستگذاری منطقه‌محور	خوشه ۲ فراوانی متوسط یا زیاد + بازه متوسط یا زیاد
خاص	گویه‌هایی با تجربه‌های محلی؛ مناسب برای مطالعات کیفی عمیق	خوشه ۳ فراوانی کم + بازه کم یا متوسط یا زیاد

<sup>۱</sup> Conceptual Clustering

## ۳. یافته‌های پژوهش

## ۳-۱. مشخصات فردی و حرفه‌ای مصاحبه‌شوندگان

ترکیب جنسیتی مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد ۷۶ درصد آنها مرد هستند که با توجه به ماهیت فعالیت‌های مرتبط با جنگلداری و مشارکت در نهادهای محلی قابل انتظار است. میانگین سنی افراد ۴۶/۲ سال با دامنه‌ای بین ۳۲ تا ۶۵ سال بوده و بیشترین فراوانی در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال مشاهده شده (۴۴ درصد) که نشان‌دهنده حضور افراد در سنین میانی با تجربه عملی قابل توجه در تعامل با منابع طبیعی است. نتایج به‌دست‌آمده از سطح تحصیلات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد ۳۶ درصد از افراد دارای دیپلم و پایین‌تر، ۲۰ درصد فوق‌دیپلم، ۲۸ درصد لیسانس و تنها ۱۶ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر هستند. این توزیع بیانگر ترکیب آموزشی به‌نسبت متنوعی است که می‌تواند بر نوع مشارکت و ادراک از حکمرانی مشارکتی تأثیرگذار باشد، همچنین ۵۸ درصد مصاحبه‌شوندگان عضو تشکلهای محلی بودند، یا تجربه حضور در آنها را داشتند که نشان‌دهنده ظرفیت نهادی و مشارکت اجتماعی فعال در سطح روستاها است. در زمینه وابستگی معیشتی، ۶۶ درصد افراد دارای دام و ۴۰ درصد دارای زمین کشاورزی هستند. این نسبت‌ها حاکی از وابستگی مستقیم بخش قابل توجهی از جامعه به منابع جنگل و در عین حال محدودیت مالکیت زمین در برخی مناطق است. درآمد سالانه افراد نیز با میانگین ۲۰۰ میلیون تومان و دامنه‌ای بین ۵۰ تا ۳۵۰ میلیون تومان است که پراکندگی اقتصادی و تفاوت در سطح معیشتی مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد (جدول ۴).

جدول ۴. آمار توصیفی مشخصات فردی و حرفه‌ای مصاحبه‌شوندگان

متغیر	طبقه	نوع مقیاس سنجش	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	اسمی	۳۸	۷۶
	زن		۱۲	۲۴
سن (سال)	کمتر از ۴۰	نسبی	۱۴	۲۸
	۴۰-۵۰		۲۲	۴۴
	بیشتر از ۵۰		۱۴	۲۸
تحصیلات	دیپلم و کمتر از آن	ترتیبی	۱۸	۳۶
	فوق‌دیپلم		۱۰	۲۰
	لیسانس		۱۴	۲۸
	فوق‌لیسانس و بالاتر		۸	۱۶
عضویت در تشکلهای محلی	بلی	اسمی	۲۹	۵۸
	خیر		۲۱	۴۲
دارا بودن دام	بلی	اسمی	۳۳	۶۶
	خیر		۱۷	۳۴
دارا بودن زمین کشاورزی	بلی	اسمی	۲۰	۴۰
	خیر		۳۰	۶۰
میزان درآمد سالانه (میلیون تومان)	کمتر از ۱۵۰	نسبی	۱۲	۲۴
	۱۵۰-۲۵۰		۲۶	۵۲
	بیشتر از ۲۵۰		۱۲	۲۴

## ۳-۲. کدگذاری مقوله‌های مثبت‌گرای مستخرج از مصاحبه‌های روستاییان و تحلیل آنها

بررسی ۵۵ گویه استخراج‌شده از مصاحبه‌های روستاییان نشان می‌دهد توزیع فراوانی و درصد فراوانی گویه‌ها در سه محور محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی از الگوی به‌نسبت متعادلی برخوردار است. در بین گویه‌ها بیشترین فراوانی مربوط به گویه «میزان بهره‌برداری غیرقانونی از منابع چوبی در مناطق مشارکتی کاهش یافته» با ۴۴ درصد است که با بازه تکرار بالا (۵) از حضور گسترده و فعال مردم در کنترل بهره‌برداری غیرمجاز از منابع جنگلی حکایت دارد، به‌طوری که دو گویه «مشارکت روستاییان در

برنامه‌های جنگل کاری موجب افزایش پوشش گیاهی جنگل‌های اطراف روستا شده است» و «مشارکت محلی در حفاظت از جنگل موجب افزایش کنترل مردمی بر بهره‌برداری شده است». هریک با ۴۰ درصد و بازه تکرار ۴، از جمله پرتکرارترین گویه‌ها هستند که به مشارکت مستقیم در احیای جنگل و اصلاح رفتارهای بهره‌برداران اشاره دارند. در مقابل گویه‌هایی مانند «نظارت مردمی موجب کاهش آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های معدنی شده است»، «مشارکت اجتماعی در مقابله با آلاینده‌های جنگلی مؤثر بوده است»، «آگاهی اجتماعی نسبت به ارزش حفاظتی جنگل‌ها افزایش یافته است» و «بازگشت به شیوه‌های سنتی در احیای پوشش گیاهی و تنوع زیستی» هریک با کمتر از ۲۰ درصد تکرار در مصاحبه‌ها، نشان‌دهنده مشارکت محدود اما معنادار جوامع محلی در زمینه مشارکت در کنترل آلاینده‌های حاصل از معادن است (جدول ۵).

جدول ۵. سطوح کدگذاری مقوله‌های مثبت‌گرای مستخرج از مصاحبه‌ها، توزیع فراوانی و پراکندگی آنها

کدگذاری کلان	کدگذاری محوری	گویه به زبان گفتاری روستاییان (کدگذاری باز)	معادل علمی گویه	فراوانی	درصد فراوانی	بازه تکرار
	مدیریت مشارکتی آتش‌سوزی‌ها	مردم روستا وقتی جنگل آتش می‌گیره، زودتر به منطقه میرن و آتش را خاموش می‌کنن. قبلاً هر سال چند بار گوشه‌های مختلف جنگل می‌سوخت، الان کمتر می‌بینیم یا می‌شنویم.	حضور نیروهای محلی در پایش جنگل موجب واکنش سریع‌تر به حوادث آتش‌سوزی شده است.	۱۸	۳۶	۵
	احیای پوشش گیاهی جنگلی	در این سال‌ها که مردم خودشون هم در نهال کاری شرکت می‌کنن، جنگل منطقه سرسبزتر شده. زمین‌های خالی در جنگل رو دوباره درختکاری کردن، وضعیت خراب جنگل بهتر شده. قبلاً فقط اداره جنگلداری درخت می‌کاشت، حالا خودمون هم کمک می‌کنیم.	مشارکت روستاییان در برنامه‌های جنگل کاری موجب افزایش پوشش گیاهی جنگل‌های اطراف روستا شده است.	۲۰	۴۰	۴
	تحوالات اکولوژیکی، حفاظتی و احیایی مشارکت محلی در جنگل	زمین‌های خالی در جنگل رو دوباره درختکاری کردن، وضعیت خراب جنگل بهتر شده. قبلاً فقط اداره جنگلداری درخت می‌کاشت، حالا خودمون هم کمک می‌کنیم.	اراضی تخریب‌شده با مشارکت جوامع محلی درختکاری وضعیت بهتری گرفته است.	۱۷	۳۴	۳
	بهبود ساختار توده‌های جنگلی	وقتی مردم کمک می‌کنن و مواظب جنگل هستن، درختا ماندگاری بهتری دارن و جوان‌تر هستن. وقتی مردم کمتر وارد جنگل میشن و مراقب هستن، درختای کوچیک کف جنگل زیاد شدن، جنگل یه جورایی نفس گرفته.	نقش جوامع محلی در اجرای پروژه‌های احیای جنگل افزایش یافته است.	۱۵	۳۰	۳
	نظارت اجتماعی بر بهره‌برداری غیرمجاز	قبلاً شبونه چوب می‌بردن، حالا با نظارت مردم دیگه کمتر می‌تونن راحت بیان. اگه کسی بخواد درخت ببره، مردم خودشون جلوشو می‌گیرن. درختای کمیاب مثل شمشاد و سرخدار به دلیل حساسیت مردم دیگه کمتر قطع می‌شن. مردم فهمیدن این درختا ارزش دارن، مراقبشون.	میزان بهره‌برداری غیرقانونی از منابع چوبی در مناطق مشارکتی کاهش یافته است.	۲۲	۴۴	۵
			مشارکت محلی در حفاظت از جنگل موجب افزایش کنترل مردمی بر بهره‌برداری شده است.	۲۰	۴۰	۴
			حفاظت از گونه‌های درختی حساس در مناطق مشارکتی تقویت شده است.	۱۸	۳۶	۴
			آگاهی جوامع محلی نسبت به ارزش گونه‌های ژنتیکی افزایش یافته است	۱۷	۳۴	۳

۳	۳۲	۱۶	آموزش محیط‌زیستی موجب ارتقای دانش بومی درباره گونه‌های در معرض خطر شده است.	قبلاً همه ارزش درختای شمشاد و سرخدار را خوب نمی‌دونستن، حالا فهمیدن و بیشتر مراقب قطع آنها هستن.	
۴	۳۲	۱۶	مشارکت محلی در پایش جنگل موجب کاهش شیوع آفات و بیماری‌ها شده است.	آفت‌ها کمتر شده، چون مردم پای کار هستن و زودتر برای همکاری وارد میشن و به منابع طبیعی کمک می‌کنن.	
۳	۲۸	۱۴	سلامت درختان جنگلی در مناطق مشارکتی بهبود یافته است.	درختا کمتر مریض می‌شن، چون مردم روستا برای از بین بردن اونا مشارکت می‌کنن.	ارتقای سلامت اکولوژیکی جنگل
۳	۲۶	۱۳	وضعیت خشکیدگی درختان جنگلی در نتیجه مشارکت محلی بهبود یافته است.	مردم برای جلوگیری از خشکیدگی نهال‌های جوان کاشته شده، در آبیاری آنها همکاری می‌کنند.	
۳	۲۴	۱۲	تنوع زیستی جنگل در نتیجه حفاظت مشارکتی تقویت شده است.	وقتی جنگل محافظت میشه یا حصارکشی میشه تعداد درختان و نهال‌های جوان بیشتر میشه.	بهبود تنوع زیستی بومی
۲	۲۲	۱۱	احیای گونه‌های بومی در مناطق تحت مدیریت محلی مشاهده شده است.	مردم می‌گن فلان گیاه دوباره برگشته، چون کسی خرابش نمی‌کنه	
۲	۲۰	۱۰	نرخ تغییر کاربری اراضی جنگلی در مناطق مشارکتی کاهش یافته است.	جدیداً زمینای جنگلی کمتر تبدیل به ویلا یا مزرعه میشن چون مردم به این موضوع حساس شدن.	مدیریت تغییر کاربری اراضی
۲	۱۸	۹	آگاهی اجتماعی نسبت به ارزش حفاظتی جنگل‌ها افزایش یافته است.	قبلاً راحت زمینو می‌فروختن، حالا همه می‌گن باید حفظ بشه.	
۴	۳۰	۱۵	استفاده از منابع چوبی برای سوخت در مناطق مشارکتی کاهش یافته است.	مردم کمتر از چوب جنگل به‌خاطر دسترسی به گاز برای سوخت استفاده می‌کنن	
۳	۲۶	۱۳	آگاهی محیط‌زیستی موجب کاهش بهره‌برداری سنتی از درختان شده است	درختا رو الان کمتر آتش قطع میکنن، چون می‌دونن ضرر داره.	اصلاح الگوهای بهره‌برداری سنتی
۳	۲۴	۱۲	بهره‌برداری از برگ درختان برای تغلیف دام در مناطق مشارکتی کاهش یافته است.	جدیداً دامدارها در روستا از برگ درختان برای سیر کردن دام‌شان استفاده نمی‌کنن یا کمتر این کار را انجام می‌دهند.	
۳	۲۲	۱۱	مشارکت محلی در مدیریت رودخانه‌ها از طریق نهالکاری موجب کاهش آسیب‌های سیلابی شده است.	حاشیه مسیر رودخانه‌ها در جنگل‌ها رو مردم خودشون نهالکاری کردن تا سیل نیاد	مدیریت منابع آبی
۲	۲۰	۱۰	اقدامات حفاظتی محلی در ساخت سازه‌های آبخیزداری در مسیر رودخانه‌های جنگلی موجب بهبود جریان آب و کاهش خطرات طبیعی شده است.	قبلاً سیل می‌اومد، حالا کمتر شده چون در مسیرها با کمک مردم سدهای زیادی در جنگل درست کردن.	
۲	۱۸	۹	مشارکت اجتماعی در مقابله با آلاینده‌های جنگلی مؤثر بوده است.	مردم به‌خاطر آلودگی‌های معادن اعتراض کردن، صداشون شنیده شد.	کنشگری محیط‌زیستی در برابر آلاینده‌ها
۲	۱۶	۸	نظارت مردمی موجب کاهش آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های معدنی شده است.	آلودگی در جنگل‌ها کمتر شده، چون مردم پیگیر هستن.	

۳	۲۶	۱۳	مردم جنگل را بخشی از هویت اجتماعی خود می‌دانند و در حفاظت آن مشارکت می‌کنند.	مردم خودشون مراقبن، جنگل مال خودمونه	تقویت تعلق مکانی و مسئولیت‌پذیری جمعی	
۳	۲۴	۱۲	مشارکت مردم روستا در تصمیم‌گیری‌های مدیریت جنگل موجب تعهد بیشتر به حفاظت آن شده است.	مشارکت در مدیریت جنگل‌ها حس مسئولیت‌پذیری رو زیاد کرده		
۴	۲۸	۱۴	فرایندهای تصمیم‌گیری محلی با مشارکت مردم شفاف‌تر و قابل‌اعتمادتر شده‌اند.	تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مدیریت جنگل تو روستا شفاف‌تر شده، تقریباً همه در جریانن	ارتقای شفافیت عملکرد و اعتماد به نهادهای محلی	
۳	۲۶	۱۳	تعامل مستقیم با نهادها موجب افزایش اعتماد و کاهش تنش شده است.	مردم به منابع طبیعی در این سال‌ها بیشتر اعتماد دارن		
۳	۲۴	۱۲	تشکل‌های روستایی با مشارکت مردم بیشتر در تصمیم‌های مرتبط با جنگل نقش ایفا می‌کنند.	دهیار و اعضای شورای روستا با مردم در مورد مسائل جنگل بیشتر مشورت می‌کنن و با آن‌ها جلسه می‌زارن.		
۳	۲۴	۱۲	مشارکت در حکمرانی جنگل موجب تقویت روابط اجتماعی و کاهش تعارضات شده است.	مردم بیشتر با هم هماهنگ شدن، اختلاف کمتر شده	توسعه پیوندهای اجتماعی و انسجام	
۲	۲۲	۱۱	تعاملات اجتماعی در قالب نشست‌های محلی و تصمیم‌گیری جمعی بیشتر شده است.	جلسات مرتبط با جنگل در روستاهای جنگلی بیشتر شده و نظرات در جلسات بیشتر شده.	تقویت ظرفیت‌های اجتماعی در مدیریت جنگل	
۲	۲۰	۱۰	از روش‌های بومی و سنتی در مدیریت منابع جنگلی بهره‌گیری شده است.	از تجربه قدیمی‌ها همیشه برای حفاظت جنگل استفاده کرد.	ادغام دانش بومی در فرایندهای تصمیم‌گیری	
۲	۱۸	۹	بازگشت به شیوه‌های سنتی در احیای پوشش گیاهی و تنوع زیستی.	روش‌های بومی مثل کاشت گیاهان دارویی و درختان برای زراعت چوب دوباره رایج شده		
۳	۲۲	۱۱	مسئولیت‌پذیری در اطلاع‌رسانی تخلفات منابع طبیعی افزایش یافته است.	مردم خودشون تخلفاتو در جنگل گزارش می‌دن	گسترش ظرفیت نظارت مردمی بر منابع جنگلی	
۲	۲۰	۱۰	ایجاد گروه‌های محلی برای نظارت مستمر بر وضعیت جنگل.	بعضی وقتا برای جلوگیری از تخلف در جنگل و امنیت روستا، گشت‌های محلی تشکیل می‌دیم.		
۴	۲۶	۱۳	تنش‌ها بین بهره‌برداران، نهادها و ساکنان محلی کاهش یافته است.	قبلاً دعوا و تنش زیاد بود، حالا همه تقریباً با هم در روستا کنار میان	مدیریت مشارکتی تعارضات محلی	
۳	۲۴	۱۲	تعامل و کاهش شکاف بین مردم و نهادهای دولتی افزایش یافته است.	اختلاف بین جوامع محلی به‌ویژه دامداران و کشاورزان و منابع طبیعی کمتر شده		
۳	۲۲	۱۱	روحیه همکاری و همبستگی در سطح روستا در مسائل مرتبط با جنگل تقویت شده است.	مشارکت سبب شده مردم بیشتر همدل بشن		
۴	۳۰	۱۵	آموزش‌های محیط‌زیستی و ظرفیت‌سازی موجب شده است که مردم روستا نسبت به بهره‌برداری پایدار از جنگل‌ها مسئولانه رفتار کنند.	مردم یاد گرفتن چوب رو بی‌رویه نبرن.	ارتقای ظرفیت اقتصادی و توانمندسازی جوامع محلی	توسعه اشتغال و تنوع درآمد در جوامع جنگلی
۳	۲۸	۱۴	ارتقاء دانش محیط‌زیستی و آموزش‌های بومی سبب شده است که بهره‌برداری اقتصادی مردم با حفظ سلامت اکوسیستم جنگلی همراه شود.	مردم فهمیدن چطور از جنگل استفاده کنن بدون اینکه خرابش کنن		

۳	۲۶	۱۳	مشارکت در برنامه‌های آموزش منابع طبیعی باعث افزایش توانمندی و آگاهی محیطی در بین اعضای جامعه محلی شده است.	مردم تو جلسات آموزش منابع طبیعی شرکت می‌کنن	
۳	۲۸	۱۴	گسترش فعالیت‌های گردشگری روستایی و بوم‌گردی زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و افزایش درآمدهای محلی شده است.	مردم از گردشگری درآمد پیدا کردن	
۳	۲۶	۱۳	سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری و اقامتگاه‌های بومی سبب توسعه اقتصادی پایدار در روستاها شده است.	خونه‌ها رو برای بوم‌گردی آماده کردن	
۳	۲۴	۱۲	فروش محصولات بومی و صنایع دستی به گردشگران موجب تقویت اقتصاد محلی و حفظ فرهنگ سنتی شده است. ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه خدمات راهنمایی گردشگری به افزایش مشارکت اقتصادی زنان و جوانان کمک کرده است.	مردم محصولات محلی مثل گیاه دارویی رو می‌فروشن	توسعه فرصت‌های شغلی متناسب با پتانسیل روستا
۲	۲۲	۱۱	توسعه اشتغال زنان در بخش صنایع دستی و تولیدات محلی موجب توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی آنان شده است.	بعضی‌ها راهنما شدن برای گردشگرها	
۳	۲۴	۱۲	ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار از طریق طرح‌های مشارکتی سبب کاهش بیکاری و وابستگی به بهره‌برداری بی‌رویه منابع طبیعی شده است.	زنان روستا تو صنایع دستی فعال شدن	
۳	۲۴	۱۲	قراردادهای محلی مراقبت از جنگل به شکل‌گیری اشتغال مستقیم در حفاظت از منابع طبیعی منجر شده است.	طرح مشارکتی سبب شد مردم شغل جدید پیدا کنن	
۲	۲۲	۱۱	اشتغال در فعالیت‌های احیای جنگل و کاشت درختان بخشی از برنامه‌های توسعه اقتصادی مبتنی بر حفظ محیط زیست بوده است.	منابع طبیعی با مردم قرارداد بستن برای مراقبت از جنگل	ایجاد زیرساخت‌های اشتغال پایدار
۲	۲۰	۱۰	برنامه‌های نهادی و محلی برای اشتغال‌زایی جوانان سبب افزایش مشارکت اقتصادی آنان در فعالیت‌های حفظ و بهره‌برداری پایدار شده است.	مردم تو نهال کاری و مراقبت از درختا مشارکت دارن	
۴	۲۶	۱۳	برنامه‌های محلی از طریق بهره‌برداری پایدار، سبب بهبود کیفیت زندگی جوامع روستایی شده است.	درآمد مردم از جنگل بیشتر شده، ولی تخریب کمتر شده	
۳	۲۴	۱۲	درآمدزایی از گردشگری بدون آسیب به منابع طبیعی، نمونه‌ای از توسعه پایدار و حفظ سرمایه‌های طبیعی روستاها است.	مردم از گردشگرها پول درمبارن ولی جنگل رو حفظ می‌کنن	تنوع‌بخشی به منابع معیشتی روستایی
۳	۲۲	۱۱	تنوع‌بخشی در منابع درآمدی خانوارهای روستایی با استفاده از محصولات مجاز بیشتر شده است.	فروش عسل، گیاه دارویی و محصولات غیرچوبی جنگلی زیاد شده	

## ۳-۳. کدگذاری مقوله‌های منفی گرای مستخرج از مصاحبه‌های روستاییان و تحلیل آنها

یافته‌های کدگذاری مقوله‌های منفی گرا در حکمرانی مشارکتی جنگل‌های منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد بیشترین میزان نارضایتی روستاییان به گویه «مشارکت صوری و غیرواقعی» با ۸۴ درصد و بازه تکرار ۶ اختصاص دارد. پس از آن «نبود حمایت مالی و زیرساختی» با ۷۸ درصد و «نابرابری در دسترسی به فرایندهای تصمیم‌گیری» با ۷۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند و بیانگر تمرکز بالای انتقادها بر ضعف در ماهیت مشارکت، کمبود حمایت اقتصادی و محدودیت دسترسی به فرایندهای تصمیم‌گیری هستند. در مقابل، پایین‌ترین میزان فراوانی مربوط به گویه «نبود پاسخگویی نهادی در برابر خطاها» با ۱۸ درصد و «نبود شفافیت در عملکرد نهادهای دولتی» با ۲۰ درصد است که نشان می‌دهد این موارد کمترین فراوانی را در میان روایت‌های روستاییان داشته‌اند (جدول ۶).

جدول ۶. سطوح کدگذاری مقوله‌های منفی گرای مستخرج از مصاحبه‌ها، توزیع فراوانی و پراکندگی آنها

بازه تکرار	درصد فراوانی	فراوانی	معادل علمی گویه	زبان گفتاری واقعی روستاییان	کدگذاری محوری	کدگذاری کلان
۶	۸۴	۴۲	مشارکت صوری و غیرواقعی در فرایندهای تصمیم‌گیری	فقط اسمش مشارکتیه، تصمیم‌ها از بالا میاد، ما فقط اجرا می‌کنیم	مشارکت محدود و غیرواقعی	
۲	۲۴	۱۲	مشارکت محدود به گروه‌های منتخب	وقتی جلسه می‌دارن، فقط از یه روستا دعوت می‌کنن، بقیه جاها بی‌خبرن		
۴	۶۶	۳۳	تعارض بین عرف محلی و قوانین رسمی	رسم ما با قانون نمی‌خونه، سبب درگیری شده		سیاستگذاری
۳	۵۰	۲۵	فقدان برنامه جایگزین پس از توقف بهره‌برداری	وقتی طرح جنگلداری تعطیل شد، هیچ برنامه جایگزینی ندادن، ما موندم با بیکاری	ضعف سیاستگذاری و اجرا	
۳	۴۰	۲۰	عدم انطباق برنامه‌ها با واقعیت‌های محلی	طرح‌های منابع طبیعی با زندگی ما نمی‌خونه، فقط در دسر شده		
۳	۴۶	۲۳	عدم اجرای عملی برنامه‌های مشارکتی	طرح‌های جدید فقط روی کاغذ، تو روستا هیچ چیز تغییر نکرده		
۵	۷۸	۳۹	نبود حمایت مالی و زیرساختی برای مشارکت اقتصادی	گفتن تعاونی بزنید، ولی نه وام دادن، نه بازار درست کردن	ضعف حمایت و زیرساخت اقتصادی	
۲	۲۶	۱۳	تبعیض در بهره‌مندی از مزایای مشارکت	بعضی از طرح‌ها فقط به نفع یه عده خاصه، بقیه محرومن		حمایت دولت
۴	۶۰	۳۰	فشار اقتصادی ناشی از توقف بهره‌برداری	چوب ممنوع شده، ولی جایگزین ندادن، خیلی‌ها مجبور شدن مهاجرت کنن	بحران و بی‌توجهی به معیشت	
۳	۳۸	۱۹	حذف معیشت سنتی بدون جایگزین	وقتی جنگل ممنوع شد، هیچ‌کس نیومد بپرسه ما چطور زندگی کنیم.		
۵	۷۴	۳۷	نابرابری در دسترسی به فرایندهای تصمیم‌گیری	فقط شوراها دعوت می‌شن، ما کشاورزا اصلاً خبر نداریم		
۳	۳۲	۱۶	تمرکزگرایی در مشارکت	جلسات منابع طبیعی فقط با شوراهاست، بقیه روستاها بی‌خبرن	محدودیت در مشارکت و تعامل	
۳	۳۴	۱۷	ارتباط مقطعی و غیرمداوم با نهادهای دولتی	فقط وقتی مشکل پیش میاد، منابع طبیعی پیداش می‌شه، بقیه وقتا نیستن		شفاف‌سازی
۳	۴۸	۲۴	ضعف در ارتباط دوسویه مردم و نهادهای دولتی	نمی‌دونیم چطور با منابع طبیعی ارتباط بگیریم، فقط مأمور میاد و می‌ره		
۴	۵۶	۲۸	ابهام در مسئولیت نهادی و ساختار اجرایی	نمی‌دونیم دقیقاً چه کسی مسئول حفاظت جنگله، همه چیز مبهمه	ضعف ساختار و پاسخگویی نهادی	
۳	۴۴	۲۲	نبود پاسخگویی در برابر انتقادها مردمی	وقتی اعتراض می‌کنیم، می‌گن تصمیم از بالا اومده، کاری از دست ما برنمیاد		

۲	۲۸	۱۴	بی‌عملی نهادهای دولتی در مواجهه با مشکلات محلی	وقتی منابع طبیعی میاد، فقط گزارش می‌گیره، کاری نمی‌کنه	
۲	۲۰	۱۰	نبود شفافیت در عملکرد نهادهای دولتی	بعضی وقتا منابع طبیعی خودشون درخت می‌برن، مردم نمی‌تونن چیزی بگن	
۲	۱۸	۹	نبود پاسخگویی نهادی در برابر خطاها	وقتی منابع طبیعی اشتباه می‌کنه، کسی پاسخگو نیست	
۳	۴۲	۲۱	نبود تسهیل‌گر ارتباطی بین مردم و دولت	ما بلد نیستیم با اداره‌ها حرف بزیم، کسی هم راهنمایی نمی‌کنه	ضعف در ارتباط و تسهیل‌گری
۴	۵۴	۲۷	حذف گروه‌های اجتماعی خاص از فرایند مشارکت	جلسات فقط با شوراهاست، ما کشاورزا اصلاً دعوت نمی‌شیم	
۴	۷۰	۳۵	وعده‌های بی‌عمل و بی‌اعتمادی نهادی	چند ساله می‌گن طرح میاد، ولی هنوز هیچ کاری نشده	اعتمادسازی
۳	۴۸	۲۴	تحقق نیافتن تعهدات نهادهای دولتی موجب کاهش اعتماد عمومی شده است	بعضی وقتا منابع طبیعی قول می‌ده، ولی بعدش خبری نمی‌شه	بی‌اعتمادی نهادی
۴	۶۲	۳۱	ضعف در آموزش کاربردی و مهارت‌آموزی	کارگاه‌ها بیشتر حرف بود تا عمل، کسی نیومد واقعاً یاد بده	
۳	۳۶	۱۸	نبود اطلاع‌رسانی درباره مفهوم مشارکت	ما اصلاً نمی‌دونیم طرح مشارکتی یعنی چی، کسی توضیح نداده	ضعف آموزش و آگاهی
۳	۳۰	۱۵	نبود آموزش در بهره‌برداری پایدار	مردم هنوز نمی‌دونن چطور از منابع جنگل استفاده کنن بدون آسیب	توانمندسازی
۴	۵۲	۲۶	نبود آموزش در بهره‌برداری اصولی از منابع جنگلی	نمی‌دونیم چطور از منابع غیرچوبی استفاده کنیم، کسی آموزش نداده	ضعف در مدیریت و بهره‌برداری
۲	۲۲	۱۱	نبود آموزش اقتصادی در بهره‌برداری جایگزین	ما نمی‌دونیم چطور از منابع غیرچوبی درآمد داشته باشیم	

### ۳-۴. تحلیل توزیع فراوانی کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها و تعیین خوشه‌بندی آنها

تحلیل نتایج حاصل از خوشه‌بندی کدهای محوری نشان می‌دهد تمامی محورهای پژوهش در خوشه خاص قرار گرفتند که نمایانگر تمرکز تجربه‌ها و مشارکت‌های محلی در مدیریت جنگل است. با وجود اینکه سطح فراوانی کدها کم و بازه تکرار در اغلب محورهای کلیدی بالا است، این موضوع از پراکندگی محدود اما عمق معنایی قوی در بین جوامع روستایی حکایت دارد. محورهای «احیای پوشش گیاهی جنگلی»، «نظارت اجتماعی بر بهره‌برداری غیرمجاز»، «ارتقای سلامت اکولوژیکی جنگل»، «اصلاح الگوهای بهره‌برداری سنتی»، «ارتقای شفافیت عملکرد و اعتماد به نهادهای محلی»، «مدیریت مشارکتی تعارضات محلی»، «ارتقای ظرفیت اقتصادی و توانمندسازی جوامع محلی»، «توسعه فرصت‌های شغلی متناسب با پتانسیل روستا»، «ایجاد زیرساخت‌های اشتغال پایدار» و «تنوع‌بخشی به منابع معیشتی روستایی» با بازه تکرار ۱۰ و بالاتر، اهمیت نقش مشارکت جوامع محلی را در حفاظت و توسعه پایدار عرصه‌های جنگلی تأیید می‌کند (جدول ۷).

جدول ۷. توزیع فراوانی کدهای مثبت‌گرای مستخرج از مصاحبه‌ها و تعیین خوشه‌بندی آنها

کد کلان	کد محوری	تعداد گویه	فراوانی	سطح فراوانی	بازه تکرار	سطح بازه	سطح خوشه‌بندی
تحولات	مدیریت مشارکتی آتش‌سوزی‌ها	۲	۳۴	کم	۹	زیاد	خاص
اکولوژیکی، حفاظتی و	احیای پوشش گیاهی جنگلی	۳	۵۲	کم	۱۰	زیاد	خاص
	بهبود ساختار توده‌های جنگلی	۲	۲۷	کم	۶	زیاد	خاص

احیای مشارکت محلی در جنگل	نظارت اجتماعی بر بهره‌برداری غیرمجاز ارتقای سلامت اکولوژیکی جنگل	۵	۹۳	کم	۱۹	زیاد	خاص
	بهبود تنوع زیستی بومی	۲	۲۳	کم	۵	متوسط	خاص
	مدیریت تغییر کاربری اراضی	۲	۱۹	کم	۴	متوسط	خاص
	اصلاح الگوهای بهره‌برداری سنتی	۳	۴۰	کم	۱۰	زیاد	خاص
	مدیریت منابع آبی	۲	۲۱	کم	۵	متوسط	خاص
	کنشگری محیط‌زیستی در برابر آلاینده‌ها	۲	۱۷	کم	۴	متوسط	خاص
	تقویت تعلق مکانی و مسئولیت‌پذیری جمعی	۲	۲۵	کم	۶	زیاد	خاص
تقویت ظرفیت‌های اجتماعی در	ارتقای شفافیت عملکرد و اعتماد به نهادهای محلی	۳	۳۹	کم	۱۰	زیاد	خاص
	توسعه پیوندهای اجتماعی و انسجام درون‌روستایی	۲	۲۳	کم	۵	متوسط	خاص
	ادغام دانش بومی در فرایندهای تصمیم‌گیری	۲	۱۹	کم	۴	متوسط	خاص
مدیریت جنگل	گسترش ظرفیت نظارت مردمی بر منابع جنگلی	۲	۲۱	کم	۵	متوسط	خاص
	مدیریت مشارکتی تعارضات محلی	۳	۳۶	کم	۱۰	زیاد	خاص
توسعه اشتغال و تنوع درآمد در جوامع جنگلی	ارتقای ظرفیت اقتصادی و توانمندسازی جوامع محلی	۳	۴۲	کم	۱۰	زیاد	خاص
	توسعه فرصت‌های شغلی متناسب با پتانسیل روستا	۵	۶۲	کم	۱۴	زیاد	خاص
	ایجاد زیرساخت‌های اشتغال پایدار	۴	۴۶	کم	۱۰	زیاد	خاص
	تنوع‌بخشی به منابع معیشتی روستایی	۳	۳۶	کم	۱۰	زیاد	خاص

نتایج حاصل از خوشه‌بندی مقوله‌های منفی‌گرا در حکمرانی مشارکتی جنگل‌های منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد نارضایتی‌ها در دو سطح عمومی و منطقه‌ای توزیع شده‌اند. در سطح عمومی بیشترین تراکم به مقوله‌های دارای فراوانی بالا مربوط است، به‌گونه‌ای که مجموع فراوانی در این سطح به ۴۰۱ مورد رسیده و بازه‌های تکرار گسترده تا ۱۳ واحد ثبت شده است. این موضوع بیانگر آن است که ضعف در پاسخگویی نهادی، محدودیت در مشارکت و ناکارآمدی آموزش‌ها در سطح وسیع و مشترک میان روستاها تجربه شده است. در سطح منطقه‌ای نیز مقوله‌هایی با فراوانی متوسط و بازه‌های زیاد مشاهده می‌شود که مجموع فراوانی آنها ۲۴۰ مورد بوده و بازه‌های تکرار تا ۸ واحد گزارش شده است. این سطح نشان‌دهنده تمرکز نارضایتی در مناطق خاص، به‌ویژه در روستاهای مرتبط با حمایت اقتصادی، معیشت سنتی و ضعف در مدیریت منابع است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بعد شفاف‌سازی با بالاترین فراوانی (۱۷۷ مورد) و بازه تکرار ۱۱، بیشترین تراکم نارضایتی را بین جوامع روستایی داشته و در سطح عمومی خوشه‌بندی شده است (جدول ۸).

جدول ۸. توزیع فراوانی کدهای منفی‌گرای مستخرج از مصاحبه‌ها و تعیین خوشه‌بندی آنها

کد کلان	کد محوری	تعداد گویه	فراوانی	سطح فراوانی	بازه تکرار	سطح بازه	سطح خوشه‌بندی
سیاستگذاری	مشارکت محدود و غیرواقعی	۲	۵۴	متوسط	۸	زیاد	منطقه‌ای
	ضعف سیاستگذاری و اجرا	۴	۱۰۱	زیاد	۱۳	زیاد	عمومی
حمایت دولت	ضعف حمایت و زیرساخت اقتصادی	۲	۵۲	متوسط	۷	زیاد	منطقه‌ای
	بحران و بی‌توجهی به معیشت	۲	۴۹	متوسط	۷	زیاد	منطقه‌ای
شفاف‌سازی	محدودیت در مشارکت و تعامل	۴	۹۴	زیاد	۱۱	زیاد	عمومی
	ضعف ساختار و پاسخگویی نهادی	۵	۸۳	زیاد	۱۱	زیاد	عمومی
اعتمادسازی	ضعف در ارتباط و تسهیل‌گری	۲	۴۸	متوسط	۷	زیاد	منطقه‌ای
	بی‌اعتمادی نهادی	۲	۵۹	زیاد	۷	زیاد	عمومی
توانمندسازی	ضعف آموزش و آگاهی	۳	۶۴	زیاد	۱۰	زیاد	عمومی
	ضعف در مدیریت و بهره‌برداری	۲	۳۷	متوسط	۶	زیاد	منطقه‌ای

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مشارکت جوامع محلی در فرایندهای حفاظتی و احیایی جنگل‌ها، نقش بنیادینی در بهبود شاخص‌های اکولوژیکی ایفا کرده است. مهم‌ترین گویه در این محور، «کاهش بهره‌برداری غیرقانونی از منابع چوبی» است که حساسیت بالای مردم نسبت به تخریب منابع جنگلی و اثربخشی نظارت مردمی در کنترل آن را نشان می‌دهد. این اولویت از سوی جوامع محلی به دلیل تجربه مستقیم آنان از پیامدهای منفی بهره‌برداری غیرمجاز، از جمله کاهش پوشش گیاهی، فرسایش خاک و تهدید معیشت سنتی، شکل گرفته است. مردم با مشاهده آثار ملموس تخریب، به طور طبیعی در برابر آن واکنش نشان داده‌اند و نقش نظارتی خود را تقویت کرده‌اند. گویه‌های «مشارکت در جنگلکاری» و «افزایش کنترل مردمی بر بهره‌برداری» نیز بیانگر تمایل مردم به ایفای نقش فعال در احیای پوشش گیاهی و اصلاح رفتارهای بهره‌برداری است. این مشارکت نه تنها از منظر زیست محیطی، بلکه از منظر هویتی و فرهنگی نیز برای مردم اهمیت دارد، زیرا جنگل بخشی از هویت مکانی و معیشت سنتی آنان است، همچنین گویه‌هایی مانند «کاهش آتش‌سوزی‌های جنگلی» و «کاهش شیوع آفات و بیماری‌ها» نشان می‌دهند پایش مردمی موجب واکنش سریع‌تر به بحران‌های طبیعی و بهبود سلامت اکولوژیکی جنگل‌ها شده است. این یافته‌ها با مطالعات خدیری‌زاده و همکاران (۲۰۱۷) هم‌راستا است که در بررسی جنگل‌های زاگرس نشان دادند بیش از ۸۰ درصد مردم به مشارکت در گزارش قاچاق چوب و اطفای حریق تمایل دارند، و این مشارکت به طور معناداری موجب کاهش خسارات طبیعی شده است، همچنین هان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۵) و چارنلی و پوئی<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در نتایج تحقیقاتشان نشان دادند مشارکت جوامع محلی در مدیریت جنگل، به‌ویژه در مناطق بومی، موجب افزایش تاب‌آوری اکوسیستم‌ها و کاهش فشارهای انسانی بر جنگل‌ها می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مشارکت جوامع محلی در مدیریت جنگل‌ها، فراتر از اقدام‌های حفاظتی، موجب تحولات عمیق در ساختارهای اجتماعی روستاها شده است. گویه «شفافیت تصمیم‌گیری‌های محلی»، به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در این محور، نشان‌دهنده ارتقای فرایندهای حکمرانی محلی در نتیجه مشارکت مردم است. این شفافیت، حاصل تعامل مستقیم مردم با نهادهای محلی مانند شوراهای دهیاری‌ها است که موجب افزایش اعتماد عمومی و کاهش تنش‌های نهادی شده است. گویه‌های «تقویت تعلق مکانی و مسئولیت‌پذیری جمعی» و «کاهش تعارضات محلی» نیز بیانگر شکل‌گیری حس مالکیت اجتماعی نسبت به منابع طبیعی و افزایش همبستگی درون‌روستایی هستند. مطالعات دربیجانی و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند تقویت سرمایه اجتماعی، شامل اعتماد، همکاری و مشارکت، از عوامل کلیدی در موفقیت برنامه‌های حفاظتی منابع طبیعی است. مطالعه موردی در شهرستان بانه نیز نشان داد نبود تشکلهای مردمی و عدم بهره‌گیری از دانش بومی از موانع اصلی مشارکت‌اند و در مقابل، افزایش اعتماد و آموزش‌های محلی موجب ارتقای مشارکت شده است (خدیری‌زاده و همکاران، ۲۰۱۷)، همچنین پژوهش اکبرزاده و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد توانمندسازی اجتماعی جوامع محلی موجب رضایت‌مندی بیشتر و پایداری گروه‌های محلی در فرایندهای مدیریتی شده است. این هم‌خوانی بین یافته‌ها نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی، پیش‌شرط‌های اساسی برای موفقیت در حکمرانی مشارکتی جنگل‌ها هستند. در کشور فنلاند نتایج تحقیق دونائوا<sup>۳</sup> (۲۰۲۵) نشان داد جوامعی که در فرایندهای تصمیم‌گیری جنگل مشارکت داده شده‌اند، رضایت بیشتری از عملکرد نهادها، شفافیت و اعتماد نهادی دارند. این پژوهش تأکید می‌کند که چارچوب‌های مشارکتی و پاسخگو، نقش کلیدی در تقویت اعتماد و کاهش شکاف‌های نهادی دارند، همچنین پژوهش پولین<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۴) در فیلیپین نشان داد در برنامه‌های مدیریت جنگل مبتنی بر جامعه، عدالت اجتماعی و رفاه جامعه باید به‌عنوان پیش‌شرط پایداری در نظر گرفته شوند. این مطالعه بیان می‌کند تمرکز صرف بر اهداف محیط‌زیستی بدون توجه به نیازهای اجتماعی، موجب تضعیف مشارکت و افزایش تعارضات می‌شود.

<sup>1</sup> Han

<sup>2</sup> Charnley & Poe

<sup>3</sup> Dunaeva

<sup>4</sup> Pulhin

در محور اقتصادی، گویه «رفتار مسئولانه در بهره‌برداری اقتصادی از جنگل»، نشان‌دهنده تغییر نگرش مردم نسبت به منابع طبیعی و گذار از بهره‌برداری سنتی به بهره‌برداری پایدار است. این تغییر، حاصل آموزش‌های محیط‌زیستی و تجربه مستقیم مردم از پیامدهای تخریب جنگل بر معیشت خانوارها است، همچنین گویه‌های «درآمدزایی از گردشگری روستایی» و «اشتغال در صنایع دستی و خدمات گردشگری»، بیانگر تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و افزایش مشارکت اقتصادی زنان و جوانان در فعالیت‌های پایدار هستند. گویه «ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار از طریق طرح‌های مشارکتی» نیز نشان‌دهنده نقش نهادهای محلی در حمایت از اشتغال سبز و کاهش بیکاری در مناطق جنگلی است. مطالعه اوسو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۵) و موتوکو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵) در جنگل کاکامه‌گا کنیا نشان داد جوامع محلی، به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد، وابستگی بالایی به خدمات اکوسیستمی جنگل دارند و مشارکت در مدیریت منابع موجب بهبود معیشت و کاهش فشار بر منابع طبیعی شده است. این پژوهش تأکید می‌کند تنوع‌بخشی به منابع درآمدی، از جمله گردشگری، فروش محصولات غیرچوبی و صنایع دستی، موجب افزایش تاب‌آوری اقتصادی جوامع جنگلی می‌شود. یافته‌های حاصل از تحلیل روایت‌های منفی‌گرا نشان می‌دهد حکمرانی مشارکتی جنگل‌ها در استان گلستان با چالش‌های چندلایه‌ای در ابعاد سیاستگذاری، حمایت دولت، شفاف‌سازی، اعتمادسازی و توانمندسازی مواجه است. بعد شفاف‌سازی با بیشترین فراوانی و خوشه‌بندی عمومی، بیانگر ضعف در پاسخگویی نهادی، تمرکزگرایی و ارتباط مقطعی با جوامع محلی است که موجب تضعیف اعتماد و مشارکت واقعی شده است (Bodonirina et al., 2018; Lockwood et al., 2010). در بعد سیاستگذاری، مشارکت صوری، نبود برنامه جایگزین پس از توقف بهره‌برداری و شکاف میان طرح و اجرا نشان‌دهنده ناهماهنگی سیاست‌ها با واقعیت‌های زیستی و عرفی جوامع جنگلی است (Agrawal & Ostrom, 2001). حمایت دولت نیز با ضعف زیرساخت‌های مالی، نبود تسهیلات اقتصادی و بی‌توجهی به معیشت سنتی، انگیزه‌های مشارکت را در مناطق آسیب‌پذیر به شدت کاهش داده است (Larson & Soto, 2008). در بعد اعتمادسازی، وعده‌های بی‌عمل، حذف گروه‌های اجتماعی از فرایند تصمیم‌گیری و نبود تسهیل‌گر ارتباطی، موجب شکل‌گیری بی‌اعتمادی نهادی در سطح عمومی و منطقه‌ای شده‌اند (Pretty, 2003). توانمندسازی نیز با وجود تلاش‌هایی در آموزش محیط‌زیستی و اقتصادی، به دلیل نبود برنامه‌های جایگزین و ضعف در مدیریت منابع، نتوانسته ظرفیت مشارکت را در سطح پایدار ارتقا دهد (Reed et al., 2010). بازه‌های تکرار بالا و درصد‌های فراوانی بیش از ۷۰ درصد در برخی مؤلفه‌ها، نشان‌دهنده شدت و گستردگی نارضایتی در میان جوامع محلی است. این الگوهای خوشه‌بندی نشان می‌دهند حکمرانی مشارکتی در شرایط فعلی بیشتر در سطح شعار باقی مانده و برای تحقق واقعی آن، بازنگری در سیاست‌های کلان، تقویت زیرساخت‌های حمایتی، و ارتقای تعاملات نهادی در سطح منطقه‌ای و محلی ضروری است (Plummer & Armitage, 2007). همچنین طراحی مدل‌های مشارکتی بومی‌سازی شده، تقویت سازوکارهای پاسخگو و آموزش‌های هدفمند می‌تواند مسیر گذار از مشارکت نمادین به مشارکت واقعی را هموار سازد.

یافته‌ها نشان می‌دهد این الگوی مدیریتی با نوعی دوگانگی عملکرد مواجه است. از یک‌سو پیامدهای مثبت در حوزه‌هایی همچون احیای پوشش گیاهی، اصلاح الگوهای بهره‌برداری، اشتغال‌زایی و ارتقای ظرفیت اجتماعی به ثبت رسیده‌اند، اما این موفقیت‌ها به‌طور عمده در سطح خوشه‌بندی خاص باقی مانده‌اند، به طوری که فراوانی پایین و تمرکز منطقه‌ای آنها مانع تصمیم‌پذیری در سطح استان شده است. از سوی دیگر، روایت‌های منفی با فراوانی بالا و بازه‌های تکرار گسترده، در سطح خوشه‌بندی عمومی یا منطقه‌ای قرار گرفته‌اند و نشان‌دهنده نارضایتی فراگیر از ساختارهای سیاستگذاری، ضعف حمایت‌های دولتی، ناکارآمدی نهادی و بی‌اعتمادی به فرایندهای مشارکتی هستند. این تفاوت در سطح خوشه‌بندی بیان‌کننده آن است که پیامدهای مثبت بیشتر در نقاط محدود و تحت شرایط خاص بروز یافته‌اند، در حالی که پیامدهای منفی در طیف وسیعی از جوامع روستایی تجربه شده‌اند، به‌ویژه در ابعاد شفاف‌سازی و سیاستگذاری، شکاف میان طرح و عمل، تمرکزگرایی و نبود پاسخگویی نهادی موجب تضعیف

<sup>1</sup> Osewe

<sup>2</sup> Mutoko

مشارکت واقعی شده است، همچنین در حوزه توانمندسازی، اگرچه آموزش‌های محیط زیستی و اقتصادی در برخی مناطق مؤثر بوده‌اند، اما ضعف در مدیریت منابع و نبود آموزش فراگیر، مانع ارتقای ظرفیت مشارکت در سطح کلان شده است. در بعد اعتمادسازی نیز حس تعلق محلی و انسجام اجتماعی در سطح روستاها تقویت شده، اما بی‌اعتمادی نهادی همچنان به‌عنوان مانع اصلی مشارکت پایدار باقی مانده است. در مجموع حکمرانی مشارکتی جنگل‌ها در استان گلستان نیازمند بازنگری در سیاست‌های کلان، تقویت زیرساخت‌های حمایتی و گسترش آموزش‌های هدفمند برای عبور از وضعیت جزیره‌ای و دستیابی به اثربخشی فراگیر است. بر پایه مهم‌ترین یافته‌های استخراج‌شده از این تحقیق، مجموعه‌ای از پیشنهادها برای توسعه و تقویت حکمرانی مشارکتی در جنگل‌ها ارائه می‌شوند:

- برای رفع مشکل مشارکت صوری و محدود، پیشنهاد تشکیل شوراهای مشارکتی روستایی با حضور نمایندگان گروه‌های مختلف از جمله کشاورزان، دامداران، زنان و جوانان مطرح می‌شود. با این حال امکان‌پذیری این اقدام نیازمند توجه به چالش‌های اجرایی نظیر ظرفیت نهادی، منابع مالی و میزان همکاری دستگاه‌های دولتی است. برگزاری جلسات تصمیم‌گیری در سطح روستا و ثبت رسمی نظرات مردم در طرح‌ها تنها در صورتی مؤثر خواهد بود که سازوکارهای قانونی و اجرایی لازم فراهم شود، همچنین استفاده از تسهیلات محلی می‌تواند ارتباط دوسویه و اعتماد اجتماعی را تقویت کند، اما موفقیت آن وابسته به آموزش مناسب، حمایت نهادی و رفع موانع فرهنگی و اجتماعی موجود است.

- برای مقابله با کمبود حمایت مالی و زیرساختی، باید صندوق‌های اعتباری خرد در روستاها راه‌اندازی شود و توسعه یابد تا بتوان تسهیلات کوچک پایدار را مشاغل خانگی در روستاها ایجاد کرد. حمایت از شرکت‌های تعاونی محلی، ایجاد بازارچه‌های روستایی و کارگاه‌های فراوری محصولات غیرچوبی مانند عسل و گیاهان دارویی و سرمایه‌گذاری در اقامتگاه‌های بوم‌گردی و صنایع دستی می‌تواند معیشت جایگزین ایجاد کند و انگیزه مشارکت اقتصادی روستاییان را افزایش دهد.

- نتایج نشان داد تمام مقوله‌های مثبت‌گرا در سطح خوشه‌بندی «خاص» قرار گرفته‌اند، از این رو پیشنهاد می‌شود کارگروه‌های محلی مدیریت جنگل در هر روستا تشکیل و مسئولیت اقدام‌های حفاظتی، احیایی و اقتصادی به‌طور مستقیم به این گروه‌ها واگذار شود. این کارگروه‌ها وظیفه دارند فعالیت‌هایی همچون پایش آتش‌سوزی، نهالکاری، کنترل بهره‌برداری غیرمجاز، مدیریت منابع آبی و توسعه فرصت‌های اقتصادی پایدار نظیر بوم‌گردی و صنایع دستی را متناسب با شرایط خاص هر روستا سازماندهی کنند. نقش نهادهای دولتی در این فرایند، نه تصمیم‌گیری از بالا، بلکه حمایت مالی، آموزشی و تسهیل‌گری است تا ظرفیت‌های محلی به‌طور واقعی فعال شوند. اجرای این رویکرد موجب می‌شود حکمرانی مشارکتی جنگل‌ها از سطح شعار فراتر رود و در عمل، با اتکا به توان محلی و نیازهای ویژه هر روستا، به نتایج پایدار و ملموس دست یابد.

- با توجه به نتایج، خوشه‌بندی مقوله‌های منفی‌گرا در دو سطح عمومی و منطقه‌ای توزیع شده‌اند، از این رو ایجاد برنامه‌های مشارکتی دوسطحی که در سطح عمومی بر اصلاح ساختار نهادی، شفاف‌سازی فرایندها و آموزش‌های کاربردی تمرکز داشته باشد و در سطح منطقه‌ای بر حمایت مالی خرد، تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و تسهیل ارتباط مستقیم با گروه‌های محلی، پیشنهاد می‌شود. در این چارچوب، نهادهای دولتی موظف‌اند جلسات شفاف و پاسخگو در سطح عمومی برگزار کنند و همزمان در سطح منطقه‌ای با راه‌اندازی صندوق‌های اعتباری خرد، ایجاد بازارچه‌های محلی و استفاده از تسهیلات گران ارتباطی، مشکلات معیشتی و ضعف ارتباطی را برطرف سازند.

## References

- Abdollahi, F., Banj Shafiei, A., Beygi Heidarlou, H., & Mousavi Mirkala, S. R. (2024). Analysis of forest stakeholders' attitudes toward participatory management in the Sardasht forests, Iranian northern Zagros. *Forest Research and Development*, 9(4), 437-461. (In Persian). <https://doi.org/10.30466/jfrd.2023.54848.1686>
- Abedi Sarvestani, A. (2021). Perceptions of the agents of the natural resources protection unit of Golestan province about management methods of conflict with local communities. *Iranian Journal of Forest and Range Protection Research*, 19(1), 141-155. (In Persian). <http://doi.org/10.22092/ijfrpr.2021.354062.1474>
- Abedi Sarvestani, A. A., & Ingram, V. (2020). Perceptions and practices of rural council participatory forest governance: Closed co-management in Chehel-Chay, Iran. *Forest Policy and Economics*, 117, 102202. <https://doi.org/10.1016/j.forpol.2020.102202>
- Agrawal, A., & Ostrom, E. (2001). Collective action, property rights, and decentralization in resource use in India and Nepal. *Politics & Society*, 29(4), 485-514. <https://doi.org/10.1177/0032329201029004002>
- Akbarzadeh, P., Kaboli, S.H., & Rajabi, M.R. (2019). The role of empowering local communities in sustainable natural resource management (Case study: Rameh watershed, Aradan County). *Quarterly Journal of Human Geography*, 12(1), 573-594. (In Persian). <http://doi.org/20.1001.1.66972251.1398.12.1.30.8>
- Ansell, C., & Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(4), 543-571. <https://doi.org/10.1093/jopart/mum032>
- Apipoonyanon, C., Kuwornu, J. K., Szabo, S., & Shrestha, R. P. (2020). Factors influencing household participation in community forest management: evidence from Udon Thani Province, Thailand. *Journal of Sustainable Forestry*, 39(2), 184-206. <http://doi.org/10.1080/10549811.2019.1632211>
- Arts, B., & De Koning, J. (2017). Community forest management: An assessment and explanation of its performance through QCA. *World Development*, 96, 315-325. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.03.014>
- Avazpour, L., Ghorbani, M., Naderi, A., Fakhaz Izadi, N., Azadi, H., & Yazdanparast, M. (2025). Dryland co-management in Kerman province, Iran: a dynamic analysis of social networks. *Environment, Development and Sustainability*, 27(5), 12259-12279. <http://doi.org/10.1007/s10668-023-04346-y>
- Azadi, H., Samari, D., Zarafshani, K., Hosseininia, G., & Witlox, F. (2013). Sustainable forest management in Iran: a factor analysis. *Sustainability Science*, 8(4), 543-551. <http://doi.org/10.1007/s11625-012-0190-4>
- Bengtsson, M. (2016). How to plan and perform a qualitative study using content analysis. *NursingPlus Open*, 2, 8-14. <https://doi.org/10.1016/j.npls.2016.01.001>
- Bodonirina, N., Reibelt, L. M., Stoudmann, N., Chamagne, J., Jones, T. G., Ravaka, A., & Waeber, P. O. (2018). Approaching local perceptions of forest governance and livelihood challenges with companion modeling from a case study around Zahamena National Park, Madagascar. *Forests*, 9(10), 624. <https://doi.org/10.3390/f9100624>
- Buele, I., Vidueira, P., Yagüe, J. L., & Cuesta, F. (2020). The participatory budgeting and its contribution to local management and governance: Review of experience of rural communities from the Ecuadorian Amazon rainforest. *Sustainability*, 12(11), 4659. <https://doi.org/10.3390/su12114659>
- Charnley, S., & Poe, M. R. (2007). Community Forestry in Theory and Practice: Where Are We Now?. *Annual Review of Anthropology*, 36, 301-336. <https://doi.org/10.1146/annurev.anthro.35.081705.123143>
- Ciccarino, I. D. M., & Fernandes, M. E. D. S. T. (2023). A bibliometric review of stakeholders' participation in sustainable forest management. *Canadian Journal of Forest Research*, 54(3), 252-267. <https://doi.org/10.1139/cjfr-2022-0329>
- Darijani, M., Mahboobi, M., Barani, H., & Abdollahzade, G. (2018). Factors affecting the participation of local communities in rehabilitation of degraded Forestlands project in Rigan County, Kerman Province. *Iranian Journal of Forest*, 9(4), 555-570. (In Persian). [https://www.ijf-isaforestry.ir/article\\_57287.html?lang=en](https://www.ijf-isaforestry.ir/article_57287.html?lang=en)

- Datta, S. (2021). Making decentralisation work: A comparative ethnographic analysis of forest conservation and village governance in West Bengal, India. *Conservation and Society*, 19(4), 205-217. <https://www.jstor.org/stable/27081508>
- Degnet, M. B., van der Werf, E., Ingram, V., & Wesseler, J. (2022). Community perceptions: A comparative analysis of community participation in forest management: FSC-certified and non-certified plantations in Mozambique. *Forest Policy and Economics*, 143, 102815. <https://doi.org/10.1016/j.forpol.2022.102815>
- Dunaeva, T. (2025). From Trees to Trust: Exploring Community Perceptions of Municipal Forest Management in Two Finnish Municipalities. NOVA University of Applied Sciences. [https://www.theseus.fi/bitstream/handle/10024/880961/Tatiana\\_Dunaeva.pdf?sequence=2](https://www.theseus.fi/bitstream/handle/10024/880961/Tatiana_Dunaeva.pdf?sequence=2)
- Erlingsson, C., & Brysiewicz, P. (2017). A hands-on guide to doing content analysis. *African Journal of Emergency Medicine*, 7(3), 93-99. <https://doi.org/10.1016/j.afjem.2017.08.001>
- Fallah, A., Imani Rastabi, M., & Nazariani, N. (2018). Investigation Some Affecting Indicators on Participation in the Sustainable Management of Forests (Case study: traditional area of Kalgachi, Chaharmahal and Bakhtiari Province). *Forest Research and Development*, 4(3), 273-288. (In Persian). [https://jfrd.urmia.ac.ir/article\\_120619.html?lang=fa](https://jfrd.urmia.ac.ir/article_120619.html?lang=fa)
- Fernandes, M. E., Ferreira, C., & Figueiredo, E. (2024). Participatory methods and approaches in the management of Mediterranean forests: a systematic literature review. *International Forestry Review*, 26(2), 177-197. <https://doi.org/10.1505/146554824838819851>
- Fujisaki, T., Hyakumura, K., Scheyvens, H., & Cadman, T. (2016). Does REDD+ ensure sectoral coordination and stakeholder participation? A comparative analysis of REDD+ national governance structures in countries of Asia-Pacific region. *Forests*, 7(9), 195. <http://doi.org/10.3390/f7090195>
- General Department of Natural Resources and Watershed Management of Golestan Province. (2021). Studies on the semi-detailed plan of sustainable management of forests in the north of the country in the 86th district of Golestan province. Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Iran's Natural Resources and Watershed Organization. (In Persian)
- Ghazanfari, H., Namiranian, M., Sobhani, H., & Mohajer, R. M. (2004). Traditional forest management and its application to encourage public participation for sustainable forest management in the northern Zagros Mountains of Kurdistan Province, Iran. *Scandinavian Journal of Forest Research*, 19(S4), 65-71. <http://doi.org/10.1080/14004080410034074>
- Han, P. P., Paing, W. M., Ota, M., & Fujiwara, T. (2025). State's Techniques and Local Communities' Strategies in Land Contestations over Agro-Based Community Forests in Myanmar. *Land*, 14(3), 459. <https://doi.org/10.3390/land14030459>
- Haque, C. E., Tarannum, M. S., & Batuwatta, S. (2025). Participatory forest management in Sri Lanka: myth or reality?. *International Forestry Review*, 27(2), 167-185. <https://doi.org/10.1505/146554825840044794>
- Khedrizadeh, M., Malelniya, R., Adeli, K., & Henareh, J. (2017). Survey of barriers and potential field to involve local people in the forest management process (Case study: Local Communities in Nameshir, Baneh). *Journal of Wood and Forest Science and Technology*, 24(3), 35-48. (In Persian). <http://doi.org/10.22069/jwfst.2017.12024.1634>
- Larson, A. M., & Soto, F. (2008). Decentralization of natural resource governance regimes. *Annual Review of Environment and Resources*, 33(1), 213-239. <https://doi.org/10.1146/annurev.enviro.33.020607.095522>
- Lockwood, M., Davidson, J., Curtis, A., Stratford, E., & Griffith, R. (2010). Governance principles for natural resource management. *Society & Natural Resources*, 23(10), 986-1001. <https://doi.org/10.1080/08941920802178214>
- Lopes, D. N., Hiroshima, T., & Tsuyuki, S. (2025). Understanding Local Perceptions on Drivers of Deforestation and Policy Instruments for Forest Conservation: A Comparative Analysis of Porto Velho and Manaus. *Sustainability*, 17(22), 10094. <https://doi.org/10.3390/su172210094>
- Moayeri, M. H., Kangarani, H. M., Abdollahzadeh, G., & Shahraki, M. R. (2024). Stakeholders' perceptions of factors affecting timber smuggling in the Hyrcanian forest in Iran. *International Forestry Review*, 26(4), 490-507. <https://doi.org/10.1505/146554824839334641>
- Mohammadi Ostadkelayeh, A., Tahmasebi, A., kashani, M., & Keshavarz, M. (2024). Assessing stakeholder perceptions of natural resource management alignment with good governance indices: a

- case study of the eastern region of Golestan Province. *Forest Research and Development*, 9(4), 515-533. (In Persian). <http://doi.org/10.30466/jfrd.2023.54493.1646>
- Mollick, A. S., Rahman, M. K., Khan, M. N. I., & Sadath, M. N. (2018). Evaluation of good governance in a participatory forestry program: A case study in Madhupur Sal forests of Bangladesh. *Forest Policy and Economics*, 95, 123-137. <https://doi.org/10.1016/j.forpol.2018.07.014>
- Mutoko, M. C., Hein, L., & Shisanya, C. A. (2015). Tropical forest conservation versus conversion trade-offs: Insights from analysis of ecosystem services provided by Kakamega rainforest in Kenya. *Ecosystem Services*, 14, 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2015.03.003>
- Naeem, M., Ozuem, W., Howell, K., & Ranfagni, S. (2023). A step-by-step process of thematic analysis to develop a conceptual model in qualitative research. *International Journal of Qualitative Methods*, 22, 1-18. <https://doi.org/10.1177/16094069231205789>
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 1609406917733847. <https://doi.org/10.1177/1609406917733847>
- Osewe, I., Coman, C., Hălălișan, A., Osewe, E.O., Ndalilo, L., Kagombe, J.K., Abrudan, I.V., & Popa, B. (2025). Local community perceptions on ecosystem services utilisation—implications for sustainable management of Kakamega Forest in Kenya. *Agroforestry Systems*, 99, Article 219. <http://doi.org/10.1007/s10457-025-01320-7>
- Padilla, E. C., Giuliani, A., Kanniya, K. S., Heang, V. L., Sokchea, T., Hou, K., & Gilliéron, J. (2025). Community engagement in the governance of Cambodian recreation forests. *Forest Policy and Economics*, 170, 103386. <https://doi.org/10.1016/j.forpol.2024.103386>
- Pham, T. T., Kengoum, F., Moeliono, M., & Dwisatrio, B. (2021). Forest governance in DRC: an analysis from actors' participation in REDD+ policy development. *International Forestry Review*, 23(1), 79-89. <http://doi.org/10.1505/146554821832140394>
- Plummer, R., & Armitage, D. (2007). A resilience-based framework for evaluating adaptive co-management. *Ecology and Society*, 12(2), 24. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2006.09.025>
- Pretty, J. (2003). Social capital and the collective management of resources. *Science*, 302(5652), 1912-1914. <http://doi.org/10.1126/science.1090847>
- Pulhin, J. M., Ramirez, M. A. M., Garcia, J. E., Pangilinan, M. J. Q., Evaristo, M. B. S., Catudio, M. L. R. O., & Mariano, B. J. S. (2024). Contextualizing sustainable forest management and social justice in community-based forest management (CBFM) program in the Philippines. *Trees, Forests and People*, 16, 100589. <https://doi.org/10.1016/j.tfp.2024.100589>
- Saito-Jensen, M., Nathan, I., & Treue, T. (2010). Beyond elite capture? Community-based natural resource management and power in Mohammed Nagar village, Andhra Pradesh, India. *Environmental Conservation*, 37(3), 327-335. <https://doi.org/10.1017/S0376892910000664>
- Savari, M., Eskandari Damaneh, H., & Avazpoor, L. (2019). Strategies for sustainable use of rangelands applicable for local Communities Case of: Kerman County. *Rangeland*, 13(2), 319-336. (In Persian). <http://rangelandsrm.ir/article-۷۵۳-۱-fa.html>
- Savari, M., Eskandari Damaneh, H., & Eskandari Damaneh, H. (2020). Factors influencing local people's participation in sustainable forest management. *Arabian Journal of Geosciences*, 13(13), 513. <http://doi.org/10.1007/s12517-020-05519-z>
- Teymouri, A., Mohammadi Kangarani, H., Moayeri, M.H., & Shahraki, M.R. (2025). Challenges of conservation management of Hyrcanian forests from the perspective of stakeholders (Case study: Golestan province). *Integrated Watershed Management*, 5(2), 129-146. (In Persian). <http://doi.org/10.22034/iwm.2025.2042075.1176>
- Tiki, L., Abdallah, J. M., Marquardt, K., & Tolera, M. (2024). Does Participatory Forest Management Reduce Deforestation and Enhance Forest Cover? A Comparative Study of Selected Forest Sites in Adaba-Dodola, Ethiopia. *Ecologies*, 5(4), 647-663. <https://doi.org/10.3390/ecologies5040038>
- Tiki, L., Marquardt, K., & Abdallah, J. M. (2025). Participatory forest management: Analysis of local forest governance and implications for REDD+ implementation in the Adaba-Dodola Forest in Ethiopia. *Trees, Forests and People*, 19, 100780. <https://doi.org/10.1016/j.tfp.2025.100780>
- Vaismoradi, M., Turunen, H., & Bondas, T. (2013). Content analysis and thematic analysis: Implications for conducting a qualitative descriptive study. *Nursing & Health Sciences*, 15(3), 398-405. <http://doi.org/10.1111/nhs.12048>

- Woldie, Z., Alemu, A., Taddese, H., & Tazebew, E. (2025). Contributions of participatory forest management for sustainable livelihoods and forest conservation in Ethiopia. *Discover Sustainability*, 6(1), 749. <http://doi.org/10.1007/s43621-025-01595-x>
- Xu, W., & Zammit, K. (2020). Applying thematic analysis to education: A hybrid approach to interpreting data in practitioner research. *International Journal of Qualitative Methods*, 19, 1609406920918810. <https://doi.org/10.1177/1609406920918810>
- Zandebasiri, M., Azadi, H., Viira, A. H., Jahanbazi Goujani, H., Iranmanesh, Y., Imani Rastabi, M., & Witlox, F. (2022). Valuing the role of key stakeholders in modelling forest cooperative game: a case study of Iranian forests. *International Journal of Environmental Science and Technology*, 19(12), 12411-12426. <http://doi.org/10.1007/s13762-022-04480-6>
- Zande, R., & Mzuza, M. K. (2022). An investigation of the factors influencing community participation in forest management: a case of balaka district, Malawi. *Journal of Geoscience and Environment Protection*, 10(3), 84-95. <http://doi.org/10.4236/gep.2022.103007>